

در باره وقایع شیلی

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

اندونزی، یونان، و دیگر کشورهای جهان دیده اند و میدانند که کارگردان این وقایع امپریالیسم امریکا و سازمانهای جاسوسی اوست که در شیلی، سیاست ضد امپریالیستی و دموکراتیک آئینده، بر آن ضربات کاری وارد ساخت.

قلب ما در این لحظات از احساس عمیق اندوه بخاطر شهادت یکی از بزرگترین رهبران اجتماعی امریکای لاتین و سقوط یک حکومت قانونی دموکراتیک سرشار است و ما از صمیم قلب با مردم شیلی ابراز همدردی و همبستگی و از مبارزه عادلانه و دلیرانه آنها پشتیبانی میکنیم و مطمئنیم که دشمنان این خلق زحمتکش و مبارز نخواهند توانست وی را برای همیشه در زنجیر استثمار و استعمار نو مقید سازند.

روشن باد خاطرۀ د کتر سالوادر آئینده گونسس - دارندهٔ جائزهٔ لنینی صلح!

پیروزی باد نبرد مردم شیلی و همهٔ خلقهای امریکای لاتین!

مرگ بر امپریالیسم!
هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

یکانگی خلق « گونسی داد پوپولار » را بدست گروه نظامیان فاشیست مآب (خونتا) سرنگون ساخت و شخص رئیس جمهور را با خونسردی دژخیمانۀ بقتل رساند. با قتل آئینده ارتجاع شیلی و امپریالیسم یکی از رجال برجسته صلح خواه و دمکرات را که مصدر خدمات بزرگی باستقلال و آزادی میهن خود و در سراسر جهان مورد احترام و علاقه عمیق خلق ها بود با دد منشی سرشتی خویش نابود ساختند. آئینده به زمره جاودانان بزرگ تاریخ انسانیت پیوست و ننگ نفرت ابدی برای قاتلان دیو صفت او باقی خواهد ماند.

سه سال مبارزه دمکراتیک شیلی برهبری د کتر آئینده صفحات درخشانی است از نبرد خلفها علیه امپریالیسم در امریکای لاتین. مسلماً این واقعه برجسته تاریخی، علی رغم شکستها و ناکامیها، اثرات دراز مدت خود را خواهد گذاشت و آن آرمانهایی که بخاطر آن د کتر سالوادر آئینده شهید شد سر انجام پیروز خواهد شد.

مردم ایران کودتاگران شیلی را موافق نجره کههن خود خوب میشناسند و چهرهٔ حیوانی امثال آنها را در وقایع اسپانیا،

ارتجاع شیلی بدستاری امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی آن، روز یازدهم سپتامبر ۱۹۷۳، پس از ماههای دراز اقدامات تخریبی و ترو-ریستی، دست به کودتا زد و حکومت قانونی و دمکراتیک د کتر سالوادر آئینده گونسس رئیس جمهور شیلی ورهبر «جبهه

مردم

ان مرکزی حزب توده ایران

ارزّه برای اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت همچنان ادامه خواهد یافت

ایران است و از سوی دیگر دلیل باارزی است بر حقانیت و عادلانه بودن مبارزه مردم ایران بر ضد انحصارات غارتگر نفتی و بخاطر اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت، از خلال چار و چنگال گسوخراش تبلیغاتی رژیم این نخستین واقعیتی است که بچشم میخورد.

امتیازات اصلی کنسرسیوم حفظ و تمدید شده است

طبق قرار داد جدید نفت مسلم میشود که، علی رغم ادعای رژیم مینی بر اینکه حاکمیت کامل ایران بر منابع نفت تأمین گردیده، امتیازات اصلی کنسرسیوم و در نتیجه تسلط کنسرسیوم بر منابع نفت ایران در قرار داد جدید نیز حفظ و تمدید شده است. بدلائل عمدهٔ زیرین:

(۱) قرار داد جدید در واقع فروش نفت خام به کنسرسیوم نیست، بلکه امتیاز بهره برداری و صدور بخش اعظم همه مواد هیدرو کاربور موجود (اسفالت، نفت خام، گاز) در منطقه امتیاز را به کنسرسیوم واگذار میکند.

(۲) همه تأسیسات شرکت ملی نفت ایران و از جمله پالایشگاه نفت آبادان الزاماً و بطور عمده مجباً در اختیار کنسرسیوم است.

(۳) اعضاء کنسرسیوم بصورت «شرکت خدمات» همچنان بفعالیت خود ادامه خواهند داد. شرکت ملی نفت ایران تمام سرمایه و سایر وجوهی را که برای انجام عملیات مجواه به «شرکت خدمات» لازم باشد، در اختیار این شرکت خواهد گذارد. «شرکت خدمات» ازدادن هر گونه مالیاتی معاف است.

(۴) تعیین میزان تولید و صدور نفت با کنسرسیوم است. ضمناً پس از وضع سهم ایران هرچه باقی میماند متعلق به کنسرسیوم است.

سرانجام قرار داد جدید نفت با کنسر-روز دوم مرداد ماه ۱۳۵۲ بصورت ماده در مجلس تصویب رسید. و همراه آن «سیاس! سیاس!» دستگاه تبلیغاتی از «شاهنشاه آریا مهر»، که به کار بی او این باصطلاح پیروزی تاریخی آمده، به آسمان برخاست.

آنچه که رژیم بوسیله این گرد و غبار میخواهد مردم ایران بقبولاند اینست و یا قرار داد جدید نفت اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت است. رژیم هدف بدینوسیله مبارزه مردم ایران را بر حصارات غارتگر نفتی و بخاطر اجرای کمال ملی شدن صنایع نفت تمام شده دارد و در نتیجه بخیال خود مردم ایران جهت معنوی در این زمینه خلع سلاح افزار مبارزه را از دست آنها بگیرد.

اعتراف دستگاه

دستگاه تبلیغاتی رژیم و محافل حاکمه برای اثبات اینکه قرار داد جدید نفت تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت مجبور به این اعتراف شده اند که انحصارات نفتی بر صنایع نفت ایران بوده اند. یعنی همانها که دهها سال است برستان ایران را به «جرم» مبارزه بر حصارات غارتگر نفتی به بند میکشند، میدهند و بقتل میرسانند، همانها که هبری «سیا» با يك کودتای نظامی ملی و قانونی د کتر مصدق را ساقط و جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران را سر کوب نمودند، برای اینکه «اصلی شان مبارزه برای ملی کردن نفت بود؛ اینک ناد در آستین میبندازند یا به دوران حکومت و غارتگری ۷۲ کپانیهای خارجی بر صنایع نفت پایان دهند.

این اعتراف و این خود ستایی از يك انه عمق خیانت و سالوسی هیئت حاکمه

توطئه جنایتکارانه علیه زندانیان

تسلیم ناپذیر

میکند. سر به نیست کردن، کشتن زیر شکنجه، ترور در کوچه و خیابان، متهم کردن مقتولین بمقاومت مسلحانه، به حمل اسلحه، و نظائر آنها برای پوشاندن جنایاتی که نمیتوان آنها را بکلی مستور کرد، نمونه هایی از شیوه های فاشیستی است که در کشور ما بکار میرود و تبلیغات سر تا پا دروغ سد گاههای تبلیغاتی ایران چون سرپوشی بر روی این جنایات گذارده میشود و وجود محیط اختناق مطلق مانع از آنست که آنچه در میهن ما میگردد، بر جهانیان فاش شود.

هم اکنون نقشه تازه ای علیه جان زندانیان دنباله در صفحه ۴

رژیم ترور و اختناق سلطنت مطلقه از هیچگونه جنایتی علیه مخالفان خود بهر درجه از مخالفت که باشند، فرو گذار نمیکند. بدون اغراق میتوان گفت در کمتر کشوری در جهان این همه فجایع بی سرو صدا روی میدهد، واقعاً «پایادو پولوس» دیکتاتور یونان و حکومتهایی چون حکومت وان تیو در ساگون و حکومتهای پرتغال و اسپانیا در حق کشی، آدمکشی، وحشیگری و دد منشی بیای جلا دادن سازمان «امنیت» حکومت مطلقه شاهنشاهی ایران نمیرسند. «نبوغ» مأموران «آریا مهر» هر روز راه تازه و نقشه جدیدی برای نابودی مخالفان رژیم کشف و شیوه های نوی ابداع و اختراع

کنگرهٔ عظیم جهانی صلح که در ماه اکتبر ۱۹۷۳ در شهر مسکو تشکیل خواهد شد شعارهای زیرین را در سر لوحهٔ برنامه خود قرار داده است. مبارزه در راه همزیستی مسالمت آمیز و تأمین امنیت بین المللی، استقرار صلح در هند و چین و خاورمیانه، تأمین امنیت و همکاری در اروپا و آسیا و اجرای خلع سلاح، مبارزه علیه استعمار، نواستعمار و سیاست تبعیض نژادی، مبارزه در راه استقلال و رشد اقتصادی خلقها و تأمین همکاری خلقها، حمایت از پاکیزگی محیط زیست و دیگر همکاریهای اقتصادی، علمی و فنی، مبارزه در راه تأمین حقوق بشر و حل مسائل و معضلات مردم اجتماعی.

برای تحکیم مبانی صلح و امنیت در قاره آسیا

۱ ایجاد سیستم امنیت جمعی در آسیا
شعار روز است

علی رغم مقاومت نیروهای طرفدار جنگ سرد، سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز راه خود را به پیش می‌گشاید و زمینه بیش از پیش برای پایان دادن به دوران بیست و پنج ساله جنگ سرد و اجراء تحول اساسی در وضع بین‌المللی، بسود صلح و امنیت خلفها آماده میشود. سیاست اتحاد شوروی که پیگیرانه به برنامه صلح مصوب بیست و چهارمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی جامعه عمل می‌پوشاند همراه با روش متوافق مجتمع کشورهای سوسیالیستی و اراده همه نیروهای صلح دوست جهان بیش از پیش بر مقاومت عنودانه پاسداران وخامت بین‌المللی چیره میگردد.

یکی از حلقهات مهم اجراء يك سیاست جهانشمول صلح عبارت است از كوشش برای تحکیم مبانی صلح و امنیت برای آسیا از طریق ایجاد سیستم امنیت جمعی در این قاره. چندی پیش دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی لئونید ایلچ برژنف در سخنرانی مهم خود در شهر آلماتا یکبار دیگر باین مسئله که مدتهاست از طرف سیاست شوروی مطرح شده است، اشاره کرده و چنین گفت:

« اکنون وظیفه بسط منطقه کاهش وخامت در مقیاس جهانی مطرح است. در جریان طرح این وظیفه، ما مهم میسریم که آسیا در جبهه وسیع به این جریان جلب گردد. در اجراء این منظور ما نه فقط منافع کشور خودمان را که دو سوم اراضی آن در آسیاست در نظر داریم، بلکه مقام و مرتبه این قاره را در زندگی بشر، نقش کشورهای آسیایی را در مقیاس جهان، منافع ومصالح خود آسیا و خلقهای آنرا در نظر می‌گیریم.»

آسیا که در گذشته بخش عمده‌اش میدان تاخت و تاز امپریالیسم بود اینک منظره دیگری دارد، با اینکه امپریالیسم بویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس در برخی از کشورهای آسیایی مانند ایران کماکان پایگاههای نیرومند اقتصادی، سیاسی و نظامی وایدنولوژیکی را برای خود حفظ کرده‌اند، ولی تجاوزات به کارانه امپریالیسم امریکا در ویتمام با شکست مواجه شده و در همه جا بندهای استعماری و نو استعماری از هم گسسته و می‌گسلد و جریان تحول و تجدید نیرومندی در کشورهای آسیایی میگردد. تحکیم صلح و امنیت در آسیا باین جریان و رهائی کامل این قاره از رقت اقتصادی سیاسی و معنوی امپریالیسم بیش از پیش کمک خواهد کرد.

منظور از سیستم جمعی در آسیا چیست؟ منظور ایجاد آنچنان سیستمی از مناسبات بین کشورهای آسیایی است که بر پایه همزیستی

مسالمت آمیز و حسن همجواری، عدم توسل بزور برای حل اختلافات و بر عکس حل این نوع اختلافات از طرق مسالمت آمیز؛ احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی و مراعات نقض ناپذیری سرحدات موجود؛ عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر؛ بسط همکاریهای وسیع اقتصادی و فرهنگی بر پایه تساوی کامل حقوق و صرفه متقابل؛ احترام به حق کشورها در تعیین سر نوشت و اداره امور خود واستفاده مستقلانه از ثروت ملی خویش و اجراء اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی در کشور خود؛ نارواشردن هر گونه اعمال زور و تجاوز و سیاست غاصبانه و توسعه طلبانه کشوری نسبت به کشور دیگر، مبتنی باشد.

استقرار چنین مناسباتی منظره ای نو و آفتی وسیع برای پیشرفت کشورهای آسیایی ایجاد میکند.

۲- يك مبارزه دشوار

و يك هدف قابل تحقق

برای ایجاد سیستم امنیت جمعی در آسیا، بدان معنی که گفته‌ایم، راه البته هموار نیست و مبارزه‌ای دشوار و نسبتاً طولانی در پیش است. در آسیا کشورهایی هستند مانند چین که آشکارا با این نظر مخالفت می‌کنند. چین خود از شرکت کنندگان کنفرانس «باندونگ» است که در آن

اصول یاد شده در مورد همزیستی مسالمت آمیز تصریح گردیده است ولی اینکه چین علی‌رغم قبول لفظی همزیستی مسالمت آمیز، به یکی از حامیان سر سخت جنگ سرد و از دشمنان پر حرارت کاهش وخامت مبدل شده است. کشورهای آسیایی هستند که بظاهر با امنیت آسیایی مخالفت ندارند و آنرا در لفظ می‌پذیرند ولی در عمل با آن مخالفتند. در این زمینه باید بویژه از دولت ایران نام برد. که آشکارا نقش زاندازم منطقه خاور میانه را برای خود قائل شده است. اخیراً مجله امریکایی «تایم» در شماره ۶، توت ۱۹۷۳ خود در مقاله‌ای تحت عنوان «خاور میانه، پلیس خلیج فارس» چنین نوشت: «محمد رضا شاه پهلوی آریا مهر شاهنشاه ایران و وارث تاج و تخت دوهزار و پانصد ساله به‌شوق امریکا خود را پلیس خلیج فارس اعلام داشت.»

شاه و هویدا در برخورد با رهبران همسایه شمالی ما اتحاد شوروی ضرورت ایجاد يك سیستم امنیت جمعی در آسیا را مورد تأیید و تصدیق صریح قرار داده‌اند ولی اعزام نیرو به ظفار تادر زیر نظر يك ژنرال انگلیسی جنبش رهایی بخش را در این کشور سر کوب کنند؛ بند و بست نظامی با محافل ارتجاعی پاکستان برای جلوگیری از بهبود مناسبات کشورهای شبه قاره هند؛ تسلیحات سرسام آور چند میلیارد دلاری و اجراء سیاست عنان گسیخته نظامیگری؛ ایجاد پایگاههای نظامی

سیاست خارجی پکن در خدمت حفظ محیط وخامت بین‌المللی

سیاست خارجی چین در ۳ - ۲ سال اخیر وارد مرحله نوبنی شده است. و این زمانی است که شکست سیاست عمومی امپریالیسم در عرصه جهانی در برابر سیاست لنینی کشورهای سوسیالیستی آشکار شده بود و امپریالیسم جهانی در صدد یافتن شیوه‌های ظریفتر مبارزه وهمکاران «تازه نفسی» بود که در کینه جوئی نسبت به کشورهای سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی بتوان با اطمینان به آن تکیه نمود. چین ماژوئیستی چنین همکاری بود. چین نیز بنوبه خود که در کار بهم زدن وحدت کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و ایجاد تفرقه در سازمان‌های مترقی جهانی و جدا کردن کشورهای در حال رشد از کشورهای سوسیالیستی به هدفهای هژمونیستی خود نرسیده و عملاً دچار شکست شده بود، در صدد یافتن وسایل و امکانات جدیدی برای این مبارزه ناممکن بود. چین در این راه جز کشورهای امپریالیستی، همکار مطمئن دیگری نمیتوانست بیابد. در اینجاست که چین از انزوا خارج

میشود و بنحوی فعال وارد جهان دیپلوماسی میگردد. ولی آنچه که نقش تازه چین ماژوئیستی را کره تر و اسف انگیز تر میکند، اینست که چین زمانی وارد میدان شد که اقتدار نظامی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و سیاست اصولی همزیستی مسالمت آمیز آنها،

در بندر عباس و چاه بهار؛ تقویت سنتو؛ طرح دعای بلند پروازانه در مورد دریای عمان و اقیانوس هند؛ سیاست خصمانه نسبت به جمهوری عراق و سایر کشورهای ضد امپریالیستی آسیا و غیره، فهرست ناقصی است از عمل دولت ایران که صریحاً متناقض با محتوی اصول یاد شده در باره امنیت جمعی است. این یکی از اسلوبهای رایج هیئت حاکمه ایران است که خیلی راحت و آسان حرفهای سیاست مستقل ملی امنیت جمعی و غیره را تکرار میکند ولی در عمل همه این سخنان را بنحوی خشن پانمال مینماید. طبیعی است که این سیاستی است بی‌دورنا، مانند همه دیپلوماسیهای مبتنی بر فریب که برد تاریخی ندارد.

ما اطمینان داریم که تفرقه‌های کنونی محافل جنگ سرد که هیئت حاکمه ایران در ارتباط نزدیک با آنان و موافق منافع آنها عمل میکند دیر یا زود با ناکامی روبرو خواهد شد و اندیشه امنیت جمعی در آسیا تحقق خواهد یافت. در طرح برنامه حزب توده ایران «مبارزه در راه تأمین امنیت جمعی کشورهای آسیایی و حفظ تحکیم مبانی صلح در خاور میانه» از خواستههای مبرمی است که برای يك سیاست خارجی ملی و مستقل بمعنای واقعی ضرور شمرده شده است. حزب ما در راه این شعار بزرگ صلح دوستانه مبارزه کرده است و خواهد کرد. ا. س.

محافل معینی از کشورهای امپریالیستی «سر عقل» آورده و آنان را به عقب نش معینی واداشته است. در این شرایط ناگزیر است که با ارتجاعترین، تجارترین و کین توزترین دشمنان صلح و آ و سوسیالیسم که نمخواهند با شرایط سازنده همکاری کنند، نگاهی ولو اجباری کارنامه دوره ترك انزوای سیاسی چه واقعیت تلخ را به ثبوت میرسانند.

چین از بزرگترین و تجاوز کار بلو کهای نظامی دوران مابعدی ناتو به بر میخیزد و پیشرفت کار کنفرانس و همکاری اروپا را که نتیجه سالها خستگی ناپذیر اتحاد شوروی و سایر های سوسیالیستی است، خطری برای اد غربی، دومین کانون بزرگ امپریالیسم - آنهم خطری از جانب اتحاد شوروی میدهد. چوئن لای به رجال سیاسی اروپای غربی توصیه میکند که «قدرت کشورها باید عامل باز دارنده اتحاد شو در غرب» باشد. چوئن لای در عین - طریق روزنامه «واشنگتن پست» که

را که در امریکا خواهان کاستن نیرو نظامی امریکا در آلمان غربی هست «ساده لوحی» متهم میسازد. چین از قرا نظامی ژاپن و امریکا که بنام «قرار داد امن

منعقد شده و از ایجاد «چتر اتمی» ام در خاور دور عملاً پشتیبانی میکند و با سایر کشورهای سوسیالیستی برای پایان دادن

مسابقه تسلیحاتی، منع سلاحهای هسته شیمیایی و میکروبی، کاستن از هزینه نظامی و ایجاد امنیت جمعی در اروپا و و سراسر جهان همه جا به مخالفت بر می

چین در سازمان ملل در مورد مسائلی مبارزه با نژاد پرستی، استعمار و سایر کشورهای امپریالیستی عملاً با بر تقال وجهه افریقای جنوبی، این کشورهای استعمار و نژاد پرست همکاری میکند. روش شکنانه چین در مورد خلق ستمدیده بنگله ماهیت واقعی تمام لفاظیهای ماژوئیستهار باره پشتیبانی از جنبش آزادیبخش خلق هر انسان بی غرضی نشان داد.

ماژوئیستهای چین که زمانی با تح

مناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم»

از هنگام تأسیس مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» ارگان تئوریک و اطلاعاتی جهانی کمونیستی و کارگری پانزده میگذرد. کمیته مرکزی حزب توده، بدین مناسبت نامه شادباشی برای هیئت مجله و کلمه کارکنان این ارگان سوسیالیستی احزاب برادر ارسال داشته

مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» سامبر سال ۱۹۵۸ با شماره ۲۰ حزب آغاز انتشار نهاد و اینک در شورای ریه آن نمایندگان ۴۵ حزب و از جمله حزب توده ایران شرکت دارند. علاوه بر ۲۰ حزب بطور مستمر با مجله میکنند و بدین سان تعداد احزاب ت کهنه عملاً به بیش از ۷۰ حزب میرسد. در سال ۱۹۵۷ مجله به ۱۹ زبان و در کشور انتشار مییافت، ولی اکنون به ۲۶ و در ۱۴۲ کشور انتشار مییابد و تیراژ آن به بیش از ۴۰۰ هزار نسخه میرسد. انتشار مجله بزبان فارسی از سال ۱۰ تحت عنوان «مسائل بین المللی» گردیده و اکنون تیراژ آن غیرمجموعه های ناشی از فعالیت غیر علنی حزب ایران به ۳ هزار نسخه میرسد.

مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» ن کلکتیو احزاب برادر است. مساعی تحریریه آن متوجه انجام وظایف زیرین :
طرح ریزی، تبلیغ و ترویج مسائل ی مارکسیسم - لنینیسم و استراتژی و یک جنبش انقلابی، تبادل تجربه میان ب برادر، تحکیم وحدت ایدئولوژیک ستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی گری بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم زانوسوالیسم پرولتری، آگاه ساختن تدگان از چگونگی فعالیت و مبارزه ب برادر و کلیه نیروهای مترقی و ضد یالستی علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع ی، در راه آزادی و استقلال ملی، ترقی عی، صلح، دمکراسی و سوسیالیسم. احزاب برادر ضمن ارزیابی فعالیت هیئت ریه مجله بارها نقش آنرا در زمینه تکامل مارکسیستی، اقتصاد سیاسی، کمونیسم و تحلیل مسائل تئوریک در پیوند با یک انقلابی جنبش با عظمت دوران ما نشان ساخته اند.

تشریح خصائص اساسی دوران کنونی، بی مسائل انقلاب علمی و فنی و تفاوتهای گسترش آن در سیستم جهانی سوسیالیسم و در جهان سرمایه داری، تحلیل جریانهای رایشهای اجتماعی - اقتصادی، سیاسی، لوژیک و کلیه مسائل اساسی زندگی انی در صفحات مجله جای مهم دارد. مجله با توجه به ضرورت بررسی عمیق مندیهای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم

مقالات تحلیلی جامعی درباره چگونگی تکامل جامعه سوسیالیستی، اهمیت وحدت و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و هم پیوندی اقتصادی آنان، نقش عظیم جامعه کشورهای سوسیالیستی و ویژه بارگاه نیرومند آنان - اتحاد شوروی - در گسترش روزافزون دامنه جنبش انقلابی جهان و فعالیت مؤثر آنان در راه تحکیم صلح و امنیت جهانی درج میکند.

تحلیل علمی مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام سرمایه داری معاصر، بررسی همه جانبه مختصات سرمایه داری دولتی و در آمیزی روز افزون قدرت انحصارات و دستگاه دولتی، تشدید بحران عمومی سرمایه داری، جوانب و عواقب نظامیگری، افشای ماهیت استعمار نو و کهنه و خصلت تجاوزکار امپریالیسم و دسائس آن برای برهم زدن اتحاد نیروهای انقلابی، اشکال گوناگون مبارزه رژیم سرمایه داری علیه جنبش کارگری و نیروهای دمکراتیک و بسیاری از مسائل دیگر در این زمینه ها مورد توجه دائمی کارکنان مجله است.

مسائل تئوریک مربوط به خصلت دورنمای مبارزات آزادیبخش ملی خلقها و شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نیروهای محرکه جنبش آزادیبخش ملی، بیکار جانبازه و ایثار و از خود گذشتگی رژیمندگان این جنبش علیه تجاوز نیروهای امپریالیستی و هندستان آنها، نقش احزاب کمونیست و کارگری در این جنبشها، تأثیر عظیم کمکها و پشتیبانی های مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر جهان از آنها در صفحات مجله مورد تحلیل همه جانبه قرار میگردد. بطور کلی میتوان گفت که بررسی هیچ مسئله اساسی و مهمی از حیات اجتماعی در جهان معاصر از نظر کارکنان مجله دور نمی ماند و هیچ مبارز واقعاً انقلابی نمیتواند خود را از بررسی مداوم مقالات مندرجه در این مجله بی نیاز بداند. مؤلفین بسیاری از مقالات مجله را رهبران نامی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و کادرهای مبرز احزاب برادر تشکیل میدهند.

مجله طی دوران پانزده ساله فعالیت خود در اشاعه اندیشه ها و اصول تئوری مارکسیسم - لنینیسم، کمک به تقویت وحدت جنبش جهانی کمونیستی، مبارزه علیه تئوری های کاذب ایدئولوژی بورژوائی و علیه صور گوناگون روزیویسم، اپورتونیسم راست و «چپ»، تئوری و پراکتیک آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم، علیه سکتاریسم و آوانتوریسم و شوینیسم عظمت طلب نقش مؤثری داشته و به احزاب مارکسیست - لنینیست در زمینه طرح ریزی راه صحیح کاربست خلاق تئوری مارکسیسم - لنینیسم در شرایط مشخص هر کشور با توجه به ویژگی ها و سنت ملی و تاریخی آنان کمکهای ارزنده مبنود داشته است.

دنباله از صفحه ۲

سیاست خارجی یکن...

پیش میرود؛ همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای غیر سوسیالیستی بیش از همه باید در جهت بر انداختن پیمانهای نظامی، خلع سلاح و کاهش و خاتم بین المللی و منفرد کردن ارتجاعترین و متجاوزترین محافل امپریالیستی انجام گیرد، ولی سیاست چین در راه تحکیم و تقویت پیمانهای نظامی، تشدید مسابقه تسلیحاتی، افزایش و خیمات و تشجیح محافل ارتجاعی و تجاوزکار عمل میکند؛ سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی در جهت پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش آزادیبخش ملی سیر میکند، ولی سیاست یکن عملدرازه تضعیف این جنبش گام بر میدارد. تمام این سیاست غیر مارکسیستی رهبران چین در وهله اول علیه اتحاد شوروی متوجه است. و این سیاست مورد تأیید ارتجاعترین محافل امپریالیستی قرار گرفته است. اشتراکوس نماینده جناح راست افراطی آلمان غربی میگوید: «تضادهای روس و چین برای اروپا پدیده ایست مثبت و نه منفی، زیرا برای مازوپاتیان «خطر سرخ» از جانب شوروی است و نه چین» شاید بهتر از این نتوان ماهیت سیاست خارجی چین را نشان داد.

بررسی سیاست خارجی چین و افشای ماهیت ضد سوسیالیستی و ضد انسانی آن برای ما ایرانیان یک عمل تقنینی و تجربیدی دور از واقعیات زندگی سیاسی و اجتماعی نیست. همین مدت کوتاهی که از برقراری مناسبات سیاسی یکن و تهران میگذرد، پیوند بسیار نزدیک سیاستی را که چین در هر گوشه ای از جهان از جمله در ایران اعمال میکند، با سیاست عمومی چین در جهان آشکار میسازد.

سفر وزیر خارجه چین به تهران نشان داد که یکن از سیاست نظامیگری دولت ایران که در چارچوب پیمان سنتو و پیروی از پیمانهای تجاوزکار امپریالیستی اعمال میگردد، از سیاست سطره جویانه هیئت حاکمه در منطقه خلیج فارس که برای حفظ منافع بزرگترین کشورهای و بزرگترین انحصارات امپریالیستی انجام میگردد، از سیاست مداخله مستقیم ایران در امور کشورهای همجوار و سرکوب نهضت های آزادیبخش منطقه خلیج فارس بطور در بست پشتیبانی میکند و رژیم حاکم بر ایران را در راه تشدید این سیاست ضد ایرانی و ضد خلقها و ضد

سطح علمی عالی مقالات مجله و محتوی غنی ایدئولوژیک و سیاسی آن مجله را به تریبون شایسته جنبش انقلابی با عظمت دوران ما بدل کرده است و پیوسته خوانندگان هر چه بیشتری را از میان نیروهای مترقی و انقلابی بسوی خود جلب میکند و این واقعیتی است که از جمله تجربه عملی حزب ما در زمینه انتشار و پیش مجله «مسائل بین المللی» بزبان فارسی صحت آنرا کاملاً تأیید میکند. ما بدست آوردن و بررسی مستمر این مجله را به تمام نیروهای انقلابی، مترقی و مینهن پرست توصیه میکنیم.

صلح تشویق مینماید. یکن در ادعاهای رژیم در مورد «خطر شوروی» و «اقدامات خرابکارانه» در منطقه خلیج فارس با محافل ارتجاعی ایران همدرد شده و شاه را به افزایش هر چه بیشتر هزینه های سرسام آور نظامی که میتواند در راه پیشرفت اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم بکار افتد، تشجیح میکند. در اینجا باید به نقش مزورانه عمال ایرانی سیاست یکن نیز توجه داشت. آنان که هر گونه مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی را به سازش با هیئت حاکمه ایران متهم میکردند، اکنون پشتیبانی رستوای رهبران چین را از اقدامات ضد خلقی رژیم که بخصوص در ۲ - ۳ سال اخیر گستاخانه تیر و عیان تر شده، همچون کبکی که سر خود را زیر برف کرده، نا دیده میگیرند و عملاً به همکاری واقعی با رژیم میپردازند. این سیاست رهبران چین و همآواگی آنان با رژیم حاکم بر ایران با منافع حیاتی مردم ایران که در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم مرحله بس دشواری را از سر میگذرانند، هیچگونه وجه مشترکی ندارد. مبارزان واقعی باید ماهیت سیاست خارجی یکن را چه در عرصه جهانی و چه در ایران افشاء نمایند.

مسعود

فراگیریم! بخاطر بسپریم! بکار بندیم!

انقلابیگری کاذب و دست زدن به ماجرا - جوئی بی سرانجام یا تسلیم طلبی اپورتونیستی در قبال امپریالیسم و رژیم، راه صحیح بیکاراجتماعی نیست. راه صحیح عبارتست از ایستادگی جسورانه، سرسخت و برحوصه در سنکر مبارزات متنوع سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی بر ضد امپریالیسم و رژیم، بسود استقلال، دموکراسی، ترقی، رفاه و صلح و آماده ساختن و بسیج توده ها در جریان این مبارزات، تا زمانی که شرایط انقلاب بیروزمردم و تحول بنیادی جامعه فراهم گردد. هر راهی جز این ناچار به سرانجام انحراف میروند و یا منجر به تسلیم و پاسیف ماندن میشود.

وظایف یک انقلابی آگاه در کشور ما چنین است:
فراگیری جهان بینی حزب طبقه کارگر، مارکسیسم - لنینیسم، بشکل جامع؛
انطباق صحیح احکام عام این جهان بینی بر شرایط ویژه تاریخ و جامعه ما؛
استخراج رهنمود عمل از این انطباق؛
مراعات اکیداترئاسیونالیسم پرولتری؛
که محتوی اساسی آن پشتیبانی بیکار از مجتهد کشورهای سوسیالیستی و در پیشایش آنها اتحاد شوروی است؛
وفاداری بی خلل به حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران، و حفظ اعتبار، وحدت و سنن و ادامه راه آن؛
کوشش بیکار و خستگی ناپذیر در راه دنباله در صفحه ۴

مبارزه برای اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت همچنان ادامه خواهد یافت

از صنایع نفت بیار آورده است، مبارزه اوبک بر ضد شرکت‌های نفتی، وابستگی روز افزون کشورهای امپریالیستی به نفت که ناشی از بحران انرژی در این کشورهاست، نیاز روز افزون دولت ایران به درآمد نفت همه و همه به تضعیف موقعیت انحصارات نفتی و دولتهای امپریالیستی پشتیبان آنان منجر شده است. در چنین موقعیتی آنها برای آنکه همه چیز را یکباره از دست ندهند بناچار باید به عقب‌نشینی‌هایی تن در دهند. برای اجرای این عقب‌نشینی در مقیاس کشورهای تولیدکننده نفت تاکنک نو استعماری جدیدی اتخاذ کرده‌اند که تاکنون یکی از حلقه‌های آن در مورد برخی کشورهای عربی بصورت مشارکت و حلقه دیگر آن در مورد ایران بصورت «شرکت‌خدمات» اجراء شده‌است. مسئولیت شاه، مجلسین و دولت ایران

در برابر مردم ایران اتفاقاً درست در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگر بچشم میخورد. با آنکه امضاءکننده اصلی قرارداد شاه است و مسئولیت در درجه اول با اوست، ولی دولت و مجلسین طبق قانون اساسی نمیتوانند خود را از مسئولیت سنگینی که در این مورد دارند، به استناد دستور شاه، مبری سازند. در شرایطی که امکان مبارزه موفقیت‌آمیز بر ضد انحصارات نفتی برای از بین بردن تسلط آنها و تأمین حق حاکمیت کامل ایران بر صنایع نفت و تبدیل شرکت ملی نفت ایران به یک شرکت بزرگ و مقتدر و واقعاً مستقل و ملی وجود دارد، دولت ایران قراردادی را امضاء میکند که تسلط انحصارات نفتی را از بین نبرد، حق حاکمیت کامل ایران بر صنایع و منابع نفت را تضمین نمیکند و حد اکثر در آمد ممکن را برای ایران تأمین نمی‌نمایند. این قرارداد نقض قانون ملی شدن صنایع نفت ایران است و بهین جهت از نظر مردم ایران چنین سازشی بخشودنی و چنین قراردادی پذیرفتنی نیست.

مبارزه ادامه خواهد یافت

بیست سال از ملی شدن نفت ایران و ۱۸ سال از انعقاد قرارداد کنسرسیوم، که قانون ملی شدن صنایع نفت ایران را نقض کرد، میگذرد. در تمام این دوران مبارزه مردم ایران، علیرغم ترور پلیسی برای اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت هیچگاه قطع نشده است. این مبارزه و همچنین تغییر تناسب قوا در صحنه بین‌المللی تاکنون انحصارات نفتی را به عقب‌نشینی‌های چندین‌وا داشته است. ولی از آنجا که شعار اصلی این مبارزه یعنی اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت هنوز و از جمله در قرارداد جدید تحقق نیافته است بناچار مبارزه برای نیل به این هدف، علیرغم تبلیغات پرموسو صدای رژیم، که میخواهد این مبارزه را خاتمه یافته وانمود کند، ادامه خواهد یافت.

۵) درآمد ایران از نفت بر همان اساس قرار داد قبلی تعیین میگردد، یعنی مالیات بر درآمد بیزان ۵۰ درصد با اضافه ۱۲ درصد مشخص. این درآمد از نوع حق الامتیاز است. دولت ایران که خود دارای صنایع ملی شده نفت است به این قانع شده است که درآمدش کمتر از درآمدی نباشد که طبق «قراردادهای مشارکت»، کشور های تولیدکننده نفت خلیج فارس، که نفت ملی شده ندارند، بدست می‌آورند.

۶) طبق قرار داد جدید، کنسرسیوم برای مدت ۲۰ سال یعنی تا سال ۱۹۹۳ نفت مورد احتیاج خود را با شرایط امتیازی و تحت کنترل خود تأمین کرده است. با توجه به اینکه در سالهای آینده نزدیک تولید نفت تا ۸ میلیارد بشکه در سال افزایش خواهد یافت، باید گفت که نه فقط در پایان قرارداد ذخیرهٔ مکشوف نفتی ایران در منطقه کنسرسیوم خاتمه خواهد پذیرفت، بلکه عموماً ذخایر نفتی این منطقه در خطر تمام شدن خواهد بود.

۷) قرار داد جدید حربه ایست در دست انحصارهای بین‌المللی نفت برای اعمال فشار به آن کشورهای تولیدکننده نفت که سیاست رادیکالی را در مسئله نفت در پیش گرفته‌اند و نیز افزار اقتصادی نیرومندی است در دست کنسرسیوم برای اعمال نفوذ و تأثیر در وضع کشور ما در جهت منافع امپریالیسم. قرارداد جدید نه فقط ایران را از سایر کشورهای تولیدکننده نفت جدا میکند، بلکه آنرا بیزان مبارزه ضد انحصارات نفتی در برابر این کشور ها قرار میدهد. قرار داد جدید نفت جوانب ارتجاعی سیاست داخلی و خارجی رژیم ایران را بیش از پیش تشدید خواهد کرد.

مسئولیت رژیم

علیرغم موارد آشکار نقض حق حاکمیت کامل ایران بر منابع نفت و نقض قانون ملی شدن صنایع نفت، دستگاه تبلیغاتی رژیم میکوشد برخی عقب‌نشینی‌های کنسرسیوم را در زمینه افزایش اختیارات شرکت ملی نفت، امکان فعالیت مستقل شرکت ملی نفت و درآمد ایران، اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت و اعمال حق حاکمیت کامل ایران بر منابع نفت جلوه گر سازد. اینکه کنسرسیوم مجبور به عقب‌نشینی‌هایی شده و شرکت ملی نفت ایران امتیازات جدیدی بدست آورده است نتیجه مستقیم اوضاع جهان، منطقه خاور میانه و ایران است. مبارزه مردم ایران علیه انحصارات غارتگر نفتی و بخاطر اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت، که هیچگاه قطع نشده، تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم، مبارزه کشورهای عربی تولیدکننده نفت که نتایجی بصورت ملی کردن بخشی

در باره شادروان علی امید

با تأسف تمام اطلاع یافتیم که چندی است رفیق علی امید در ایران در گذشته است. رفیق علی امید، دهقان زاده فقیری از قریه رودان کرمان و جزء گروههای اولی بود که در آبادان بکار نفت‌گری پرداختند. وی در اعتصاب وسیع سه روزه بیست هزار نفری ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۰۸ در آبادان، که اولین اعتصاب بزرگ نفتگران خوزستان بود و مسقیماً تحت رهبری حزب کمونیست ایران قرار داشت، نقش فعال و سازمانده ایفاء کرد. علی امید از همان ایام با اندیشه‌های رهاگر مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته و عضو حزب کمونیست ایران بود. پلیس رضا شاه او را در سال ۱۳۱۰ دستگیر کرد. فقط پس از ده سال زندان، در دوران جنگ دوم جهانی از زندان آزاد شد. در دوران بازجویی و زندان علی امید (که آنها گام او را بسبب جهت ضعیف و سه‌چرگی «گاندی» مینامیدند) بعنوان مظهر مقاومت و ایستادگی بی‌تزلزل شهرت یافته بود و از این جهت مورد احترام فراوان زندانیان سیاسی بود. پس از رهایی از زندان علی امید در ایجاد جنبش اتحادیه‌ای در تهران و خوزستان فعالیت فراوان نمود و حیثیت بزرگی در میان طبقه کارگر ایران بدست آورد. علی امید عضو حزب توده ایران و از فعالین شورای متحده مرکزی بود. در اعتصابات

دنباله از صفحه ۱

توطئه جنایتکارانه علیه زندانیان تسلیم‌ناپذیر

ما این نقشه شیطانی تازه «ساواک» را فاش و اعلام میکنیم که هر حادثه‌ای زندانها علیه رفقای ما خاوری و حکمت و هر زندانی سیاسی دیگر رخ دهد عاملان آن اهریمنان ساواک و مسئول اجرای این نقشه ها حکومت ایران، مقامات قضائی که در رأس آن دیکتاتور ایران محمد شاه است.

ما مردم ایران و افکار عمومی جهان به فجايعه که اکنون در کشور ما رخ میدهد جلب میکنیم و خواستاریم که بیاری زندانیان سیاسی ایران برخیزند و جان کسانی را بخاطر هدفهای انسانی در بندند، از خطر آنها را تهدید میکنند نجات بخشند.

دنباله از صفحه ۳

فراگیریم! بخاطر بسپریم! بکار بند بخش نظریات حزب توده ایران میان توده بکار بردن همه نیرو برای دوباره زنده کردن سازمانهای حزب توده ایران؛ شریک مستقیم و فعال در مبارزه روزمره و مشخص مردم؛ شناسائی مبارزان و برگزینی بهترین آنان برای دعوت به صفوف حزب.

سیاسی که از هفتخوان شکسته و محاکمه در بیداد گاههای نظامی گذشته و در بیغوله‌های زندانها سالها پشت درهای آهنین نشسته اند طرح شده است. هدف این نقشه شیطانی نابود کردن کلیه زندانیانی است که پس از «محکومیت» حاضر بتسلیم و همکاری با «ساواک» نشده و شرافت و وجدان خود را بیای آدمکشان نریخته‌اند. گر چه شرایط زندانهای محمد رضا شاهی طوری است که زندانیان را خود به خود به مرگ تدریجی میکشاند ولی دستگاه لعنتی «ساواک» در نابودی آنها شتاب و عجله دارد و در نقشه مرگ زائی که کشیده استفاده از نفرت انگیزترین وسائل را پیش بینی کرده است. مسموم کردن زندانیان، ایجاد صحنه‌های مصنوعی زدو خورد بین زندانیان سیاسی و چاقو کشان حرفه‌ای، وعده پاداش نقدی و آزادی به جنایتکارانیکه یکی از زندانیان سیاسی مورد نظر «ساواک» را از پای در آورند از جمله این وسائل است.

باین ترتیب جان زندانیانیکه استوار مانده و تسلیم «ساواک» نشده‌اند در خطر میباشد. هم اکنون جان رفقای دلیر و مقاوم ما علی خاوری و پرویز حکمت جو در معرض چنین خطرست.